

بررسی رابطه طرح‌واره ناکارآمد اولیه، افکار خودآیند منفی و خشونت خانگی با دل‌زدگی زناشویی زنان خانه‌دار شهر شیراز مبتنی بر دیدگاه اسلامی

زاهده رحمانیان^{۱*}، مهری عبدی^۲

۱- استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

zr7911529@chmail.ir

۲- دانشجو کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد یاسوج، یاسوج، ایران.

mehriabdi76@gmail.com

تاریخ دریافت: [۱۴۰۴/۳/۵]

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۴/۳/۱۹]

چکیده

باتوجه به اهمیت تعاملات زناشویی در اسلام، هدف از این پژوهش بررسی رابطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، افکار خودآیند منفی و خشونت خانگی با دل‌زدگی زناشویی زنان خانه‌دار شیراز مبتنی بر دیدگاه اسلامی انجام شد. روش تحقیق توصیفی پیمایشی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان خانه‌دار شیراز در سال ۱۴۰۱ بود که ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه‌های طرح‌واره ناکارآمد اولیه (یانگ، ۲۰۰۵)، افکار خودآیند منفی (هالون و کندال، ۱۹۸۰)، خشونت خانگی (حاج یحیی، ۱۹۹۹) و دل‌زدگی زناشویی (پینیز و همکاران، ۲۰۱۶) جمع‌آوری شد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که این سه متغیر ۲۲٪ از واریانس دل‌زدگی زناشویی را تبیین می‌کنند. خشونت خانگی ($t=6.985$, $B=0.32$) و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه ($t=5.437$, $B=0.25$) و افکار خودآیند منفی ($t=2.141$, $B=0.09$) به ترتیب بیشترین سهم را داشتند. همچنین، خشونت خانگی نقش میانجی‌کننده رابطه بین طرح‌واره ناکارآمد اولیه و افکار خودآیند منفی با دل‌زدگی زناشویی دارد ($p<0.01$). این پژوهش نشان می‌دهد که دل‌زدگی زناشویی ناشی از تجمع تعاملات نامناسب شناختی، هیجانی و رفتاری است و کاهش آن نیازمند توجه هم‌زمان به عوامل فردی (مانند طرح‌واره‌ها و افکار منفی) و عوامل بین فردی (مانند خشونت) با در نظر گرفتن اصول اسلامی است. خشونت خانگی در این چرخه، هم علت و هم معلول تعاملات شناختی-هیجانی است و یک چرخه معیوب ایجاد می‌کند. تأکید بر مداخلات چندسطحی (از درمان فردی تا تغییرات ساختاری) این مطالعه را به تحقیقی پیشرو در حوزه سلامت روان خانواده تبدیل کرده است.

واژگان کلیدی: طرح‌واره ناکارآمد اولیه، افکار خودآیند منفی، خشونت خانگی، دل‌زدگی زناشویی، دیدگاه اسلامی.

۱- مقدمه

در عصر حاضر، یکی از دلایل اصلی بحران در خانواده‌ها، نگاه غیرسیستمی به خانواده و اصول حاکم بر آن است. درحالی‌که قرآن بر اهمیت توجه سیستمی به خانواده تأکید دارد (نساء، ۱). بسیاری از اختلافات خانوادگی ناشی از نقض اصولی است که دارای فضای معنایی مشترک هستند و با حقوق ناشی از این اصول در تعارض قرار می‌گیرند (احمدی، شریعتی و میرخانی، ۱۴۰۰). دل‌زدگی زناشویی در آموزه‌های اسلامی به عنوان سردی عاطفی و کاهش محبت بین زوجین ناشی از غفلت از اصول الهی تعریف می‌شود. این پدیده در منابع اسلامی با مفاهیمی مانند سُخْط (نارضایتی)، قَسْوَةُ الْقُلُوبِ (سختی قلب) و قُتُورُ الْمَوَدَّةِ (کاهش مودت) توصیف شده است. علل اصلی آن شامل: ۱. بی‌توجهی به اخلاقیات (احترام، عدالت، صداقت) و حقوق همسر (نساء، ۱۹). ۲. مدیریت نادرست هیجانات منفی (خشم، حسادت، حجرات، ۱۲). ۳. کم‌رنگ شدن ارتباط معنوی (دوری از دعا، نماز؛ رعد، ۲۸). ۴. تمرکز بر مادیات و غفلت از رشد روحی (الکافی). ۵. گناهان زبانی و رفتاری (غیبت، تهمت، نهج‌البلاغه، حکمت ۳۴۹). راهکارهای اسلامی برای مقابله: ۱. تقویت مودت و رحمت با گفتار نیک و توجه عاطفی (روم، ۲۱؛ اسراء، ۲۳). ۲. اصلاح نیت و هدف‌گذاری زندگی زناشویی به عنوان عبادت (مجلسی، ۱۳۹۰). ۳. الگوبرداری از سیره معصومین در رفتار و حل تعارضات. ۴. تمرین صبر و بخشش برای جلب رحمت الهی. ۵. استفاده از مکانیسم‌های اسلامی مانند حکمت در اختلافات (نساء، ۳۵). ۶. تقویت معنویت مشترک (نماز جماعت، دعا). پژوهش‌های آینده باید با تلفیق آموزه‌های اسلامی و روان‌شناسی مدرن، الگوهای یکپارچه برای جوامع اسلامی طراحی کنند و به چالش‌هایی مانند فردگرایی و تغییر نقش‌های جنسیتی پاسخ دهند. شناخت عوامل مؤثر بر دل‌زدگی زناشویی با تأکید بر آموزه‌های اسلامی می‌تواند به تدوین بسته‌های آموزشی، رویکردهای پیشگیرانه، سیاست‌گذاری، قوانین و فرهنگ‌سازی کمک کند تا اصول اسلامی در نظام خانواده به‌طور عملی اجرا شوند (احمدی و همکاران، ۱۴۰۰؛ رئیسی، قاسمی و سالاری فر، ۱۴۰۲).

در اسلام، رابطه زناشویی بر پایه آرامش، مهرورزی و رحمت استوار است و هرگونه بدرفتاری یا آزار روانی و جسمی نفی شده است (روم، ۲۱). از نگاه اسلامی، خشونت خانگی نه تنها عامل دل‌زدگی زناشویی است، بلکه گناهی بزرگ محسوب می‌شود که پیامدهای دنیوی و اخروی دارد (مجلسی، ۱۳۹۰، ج ۱۰۳). قرآن و احادیث معصومین علیهم‌السلام بر رفتار نیکو با همسر و دوری از ظلم تأکید دارند (نساء، ۱۹؛ حرعاملی، ۱۳۸۶، ج ۱۴، ص ۱۲۲؛ آمدی، ۱۴۰۱، حدیث ۷۵۲۲). حتی در موارد نادر که برخی به آیه «وَأَصْرَبُوهُنَّ» (نساء، ۳۴) استناد می‌کنند، ضرب به معنای تأدیب غیرضروری و بدون آسیب جسمی یا روانی تفسیر شده است (بقره، ۲۳۱) و بسیاری از مراجع تقلید عملاً آن را ممنوع می‌دانند. راهکارهای اسلامی برای پیشگیری از خشونت شامل گفتگو، عفو و گذشت است (نساء، ۳۵؛ بقره، ۲۳۷). قوانین ایران، مانند لایحه پیشگیری از آسیب زنان (۱۳۹۸)، گام‌هایی برای مقابله با خشونت‌های پنهان و حمایت از کرامت زنان برداشته‌اند. با این حال، خشونت خانگی (جسمی، عاطفی، جنسی یا اقتصادی) تأثیرات پیچیده‌ای بر روابط زناشویی دارد و ممکن است به دل‌زدگی بینجامد (گلندر، ۱۹۶۰). پژوهش‌های بیشتر در این زمینه می‌توانند به سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و تقویت نظام‌های حمایتی برای قربانیان خشونت خانگی بینجامند.

سوءظن و افکار منفی بی‌پایه، به‌ویژه در روابط زناشویی، می‌تواند اعتماد متقابل را از بین ببرد و منجر به دل‌زدگی و سردی عاطفی شود (حجرات، ۱۲). در دیدگاه اسلامی، این افکار منفی به عنوان وسواس شیطانی (فاطر، ۶؛ اعراف، ۲۰۰؛ مجادله، ۱۰)، هم‌وغم (طلاق، ۳؛ آل‌عمران، ۱۳۹؛ حرعاملی، ۱۳۸۶)، یا وسواس‌های فکری ناپسند (ناس، ۵؛ آمدی، ۱۴۰۱، حدیث ۷۲۵۶) شناخته می‌شوند که ناشی از ضعف ایمان، غفلت از ذکر خدا یا تأثیرات شیطانی هستند. این افکار، آرامش و توکل به خدا را از انسان دور کرده و باعث اضطراب، ناامیدی یا خودکم‌بینی می‌شوند (آل‌عمران، ۱۳۹؛ حرعاملی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۲۴۶). راه‌های مقابله با این افکار منفی شامل توکل به خدا، ذکر و دعا، شکرگزاری، مطالعه قرآن و احادیث و انجام اعمال نیک است (طلاق، ۳؛ تغابن، ۱۱؛ آل‌عمران، ۱۳۹؛ ابراهیم، ۷). این آموزه‌ها نه تنها افکار منفی را کاهش می‌دهند، بلکه آرامش و امیدواری را در زندگی تقویت می‌کنند. شناسایی زود هنگام افکار مخرب و آموزش مهارت‌های مقابله به زوجها می‌تواند از تشدید دل‌زدگی زناشویی جلوگیری کند (رئیسی و همکاران، ۱۴۰۲).

پژوهش‌های بیشتر با رویکرد بین‌رشته‌ای و توجه به تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی می‌تواند به طراحی سیاست‌های حمایتی از خانواده‌ها و بهبود کیفیت روابط زناشویی کمک کند.

طرح‌واره‌های ناکارآمد اولیه، الگوهای فکری و عاطفی منفی هستند که در کودکی شکل می‌گیرند و ممکن است با مفاهیمی مانند گناه، جهالت، تربیت نادرست یا عدم تزکیه نفس در آموزه‌های اسلامی مرتبط باشند (حر عاملی، ۱۳۸۶، ج ۱۴، ص ۱۲۲). قرآن و روایات اسلامی بر اهمیت خودآگاهی، اصلاح درون (سوره الشمس، ۱۰۹) و نقش تربیت خانوادگی در شکل‌گیری شخصیت تأکید می‌کنند (مجلسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۸۱). محیط خانوادگی ناسالم یا تربیت نادرست می‌تواند به شکل‌گیری این طرح‌واره‌ها منجر شود که به نوبه خود رفتارهای آسیب‌رسان در روابط زناشویی (مانند بی‌اعتمادی، ترس از رهاشدگی یا احساس نقص) را تشدید می‌کند (سوره حجرات، ۱۲؛ حر عاملی، ۱۳۸۶، ج ۱۴، ص ۱۲۲). طبق نظریه یانگ (۲۰۰۵)، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه الگوهای پایدار فکری، هیجانی و رفتاری هستند که در کودکی یا نوجوانی شکل می‌گیرند و در بزرگسالی بر تفسیر تجربیات فرد تأثیر می‌گذارند. این طرح‌واره‌ها معمولاً در پاسخ به نیازهای عاطفی برآورده نشده یا تجربه‌های آسیب‌زا ایجاد می‌شوند و می‌توانند به تعارضات بین‌فردی، اختلالات روانی و ناکارآمدی در حل مسئله منجر شوند. ویژگی‌های کلیدی این طرح‌واره‌ها شامل پایداری، خودتخریب‌گری و تأثیر بر حوزه‌هایی مانند بریدگی و طرد، خودگردانی مختل، محدودیت‌های مختل، دیگرجهت‌مندی و گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد است. برای مثال، طرح‌واره محرومیت هیجانی ممکن است باعث شود فرد در روابط زناشویی احساس کمبود محبت کند، حتی اگر همسرش توجه کافی داشته باشد. یا طرح‌واره بی‌اعتمادی ممکن است فرد را به سوءظن دائمی نسبت به وفاداری همسر سوق دهد. این طرح‌واره‌ها واقعیت را تحریف کرده و تعارضات را تشدید می‌کنند (حمیدپور و اندوز، ۱۴۰۳). پژوهش‌های بیشتر در این زمینه برای درک مکانیسم‌های شکل‌گیری و تداوم طرح‌واره‌ها، تفاوت‌های فرهنگی، پیشگیری و مداخلات زودهنگام ضروری است.

در نتیجه، خانواده به‌عنوان نهاد بنیادین اجتماعی، نقش اساسی در سلامت روانی و عاطفی افراد ایفا می‌کند (نساء، ۱). با این حال، دلزدگی زناشویی (فرسودگی عاطفی و روانی ناشی از ناکامی در رابطه) به یکی از چالش‌های اصلی در روابط تبدیل شده است (رئسی و همکاران، ۱۴۰۲). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که عوامل شناختی مانند الگوهای هیجانی و شناختی خودآسیب‌رسان ناشی از تجربیات کودکی، باورها یا تصاویر خودکار منفی و رفتارهای فیزیکی، روانی یا جنسی آسیب‌زا در تشدید دلزدگی زناشویی نقش دارند (رئسی و همکاران، ۱۴۰۲؛ شهابی‌زاده و محمدی‌مقدم، ۱۳۹۹). لذا، پژوهش حاضر با تمرکز بر زنان خانه‌دار شیراز، به بررسی رابطه طرح‌واره ناکارآمد اولیه، افکار خودآیند منفی و خشونت خانگی با دلزدگی زناشویی مبتنی بر دیدگاه اسلامی پرداخته است.

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

در این قسمت، مبانی نظری مرتبط با چهار متغیر اصلی پژوهش شامل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، افکار خودآیند منفی، خشونت خانگی و دلزدگی زناشویی بررسی شده است. این نظریه‌ها به شرح زیر هستند:

۱. طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه: طبق نظر یانگ^۱ (۲۰۰۵) طرح‌واره‌ها الگوهای شناختی هیجانی پایدار و خودآسیب‌رسانی هستند که در کودکی به دلیل نیازهای تحولی برآورده نشده (مانند دل‌بستگی ایمن، خودمختاری، بیان هیجانی) شکل می‌گیرند و در بزرگسالی تکرار می‌شوند. زنان دارای طرح‌واره‌های ناسازگار (مانند «نقص/شرم» یا «وابستگی») در روابط زناشویی بیشتر مستعد تعارضات عاطفی و احساس بی‌ارزشی هستند. به‌ویژه، طرح‌واره «محرومیت هیجانی» می‌تواند به سردی رابطه و دلزدگی زناشویی منجر شود.
۲. افکار خودآیند منفی: مطابق نظریه بک^۲ (۲۰۰۹) افکار خودآیند منفی (NATs)، باورهای تحریف‌شده‌ای هستند که به‌صورت خودکار و غیرارادی در پاسخ به موقعیت‌ها ظاهر می‌شوند. این افکار تحت تأثیر طرح‌واره‌های بنیادین و خطاهای شناختی (مانند

1 . Young
2 . Beck

فاجعه‌سازی یا ذهن‌خوانی) شکل می‌گیرند و رضایت زناشویی را کاهش می‌دهند. برای مثال، افکاری مانند «همسر مرا درک نمی‌کند» یا «من در رابطه شکست خورده‌ام» می‌توانند چرخه‌ای از نارضایتی و فرسودگی عاطفی ایجاد کنند.

۳. نظریه‌های خشونت خانگی:

نظریه یادگیری اجتماعی: بندورا^۱ (۱۹۷۷) معتقد است خشونت از طریق الگوبرداری (مشاهده رفتار والدین) و تقویت (پاداش‌های اجتماعی یا مادی) آموخته می‌شود.

نظریه ناکامی پرخاشگری: طبق نظر برکویتز^۲ (۱۹۸۹) ناکامی در دستیابی به اهداف (مانند بیکاری یا تعارضات زناشویی) به خشم و سپس پرخاشگری تبدیل می‌شود.

نظریه تبادل اجتماعی: گلدنر^۳ (۱۹۶۰) معتقد است افراد در روابط به دنبال حداکثر سود و حداقل هزینه هستند. اگر هزینه‌های خشونت (مانند طلاق) کمتر از منافع آن (مانند کنترل همسر) باشد، خشونت تداوم می‌یابد.

۴. نظریه‌های دزدگی زناشویی:

نظریه وجودی: پینیز، نیل و همرا^۴ (۲۰۱۶) معتقدند دزدگی زناشویی نتیجه فروپاشی معنا در رابطه است و زمانی رخ می‌دهد که فرد احساس کند رابطه‌اش تهی از عشق، احترام یا رشد مشترک است.

نظریه شناختی رفتاری: مطابق نظریه الیس^۵ (۱۹۹۴) باورهای غیرمنطقی (مانند «همسر من باید همیشه کامل باشد») به تعارضات و فرسودگی عاطفی می‌انجامد.

نظریه دل‌بستگی: طبق نظریه بالبی^۶ (۱۹۷۳) سبک‌های دل‌بستگی ناایمن (اجتنابی یا اضطرابی) با ترس از صمیمیت و تعارضات زناشویی مرتبط هستند.

نظریه معنادرمانی (فرانکل^۷، ۱۹۴۶): دزدگی زمانی رخ می‌دهد که فرد معنای وجودی رابطه را از دست بدهد. بازسازی معنا از طریق پذیرش مسئولیت و تمرکز بر ارزش‌های مشترک امکان‌پذیر است.

طرح‌واره‌های ناسازگار و افکار منفی به عنوان عوامل درون‌فردی، زمینه‌ساز تحریف‌های شناختی در رابطه هستند. خشونت خانگی به عنوان عامل بین‌فردی، اعتماد و امنیت را در رابطه تخریب می‌کند. دزدگی زناشویی نتیجه تعامل این عوامل است که با نظریه‌های وجودی (فقدان معنا) و شناختی رفتاری (باورهای معیوب) تبیین می‌شود. تاکنون پژوهشی که بررسی رابطه طرح‌واره ناکارآمد اولیه، افکار خودآیند منفی و خشونت خانگی با دزدگی زناشویی بپردازد وجود ندارد و در ذیل به پژوهش‌های مرتبط اشاره می‌شود:

رئسی و همکاران (۱۴۰۲) تأکید کردند که بر اساس آموزه‌های اسلامی، اعتماد و وفاداری مهم‌ترین سرمایه در روابط زناشویی است. شکستن پیمان‌ها و تعهدات می‌تواند به بی‌اعتمادی، دزدگی زناشویی، سردی عاطفی و حتی جدایی منجر شود. حفظ اعتماد متقابل برای استحکام رابطه ضروری است. جمشاد و داوری (۱۴۰۲) در پژوهشی نشان دادند ویژگی‌های شخصیتی و نقص در تنظیم هیجانی نقش کلیدی در تعاملات زناشویی آسیب‌زا ایفا می‌کنند. نورعلیزاده میانجی و الهی (۱۴۰۲) در پژوهش دیگری نشان دادند سبک‌های فرزندپروری ناسالم (به‌ویژه تحقیرکننده، تنبیه‌گر و طردکننده) با تعارضات زناشویی رابطه مستقیم داشتند. آموزش سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه به والدین و توجه به طرح‌واره‌های ناسازگار در مشاوره‌های پیش از ازدواج ضروری است. عسگرزاده، برادران و رنجبر نوشری (۱۴۰۱) در پژوهش دیگری نشان دادند طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و همجوشی شناختی در ایجاد یا تشدید تعارضات

1 . Bandura
2 . Berkowitz
3 . Goldner
4 . Pines, Neal & Hammer
5 . Ellis
6 . Bowlby
7 . Frankl

زناشویی نقش مستقیم یا غیرمستقیم دارند. شهابی‌زاده و محمدی‌مقدم (۱۳۹۹) با استناد به متون دینی مانند نهج‌البلاغه و احادیث، دو مؤلفه اصلی در گفتار را بررسی کردند که در کاهش دل‌زدگی زناشویی مؤثر هستند: الف) مؤلفه شناختی: شامل تفکر در عاقبت سخن، مفید و حکمت‌آمیز بودن گفتار، صداقت، توجه به سود و ضرر کلام و افزایش آگاهی دیگران. ب) مؤلفه رفتاری: شامل رعایت ادب، بیان موضوعات معنادار، نرم‌گویی، رعایت حدود شرعی، پرهیز از بدگویی و حفظ اسرار دیگران.

در نتیجه، پژوهش حاضر برای اولین بار، سه متغیر کلیدی شامل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، افکار خودآیند منفی و خشونت خانگی مبتنی بر دیدگاه اسلامی را در یک مدل علی ترکیب نموده است و به بررسی عوامل مؤثر بر دل‌زدگی زناشویی (فرسودگی عاطفی در روابط زناشویی) با ارائه یک مدل جامع و نوآورانه می‌پردازد. این مطالعه با ترکیب نظریه‌های شناختی (مانند طرح‌واره درمانی)، تحلیل‌های زیستی و رویکرد فرهنگی-اجتماعی، الگویی نوین برای درک دل‌زدگی زناشویی مبتنی بر دیدگاه اسلامی ارائه می‌دهد. کاربردهای پژوهش عبارت‌اند از: ۱. کاربردهای فردی و خانوادگی: آموزش مهارت‌های شناختی، درمان‌های تلفیقی، مدیریت خشم و حل تعارض. ۲. کاربردهای اجتماعی و سیاست‌گذاری: تدوین برنامه‌های پیشگیرانه، حمایت‌های قانونی و توانمندسازی زنان. ۳. کاربردهای پژوهشی: پایه‌گذاری مطالعات طولی و بین فرهنگی با رویکرد روان‌شناسی اسلامی. این پژوهش با ارائه راهکارهای نظری و عملی، به بهبود سلامت روانی و اجتماعی خانواده‌ها و کاهش پیامدهای منفی دل‌زدگی زناشویی کمک می‌کند. همچنین، به عنوان نقشه راهی برای پژوهش‌های آینده در حوزه روان‌شناسی اسلامی خانواده عمل می‌کند. لذا پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که آیا بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، افکار خودآیند منفی و خشونت خانگی با دل‌زدگی زناشویی زنان خانه‌دار شیراز مبتنی بر دیدگاه اسلامی رابطه‌ای وجود دارد؟

۳- روش‌شناسی

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، پیمایشی است. طرح پژوهش به صورت توصیفی - همبستگی طراحی شده است و از روش‌های همبستگی و رگرسیون برای تبیین رابطه بین متغیرها استفاده می‌کند. بعلاوه، از دو روش کتابخانه‌ای (برای تدوین مبانی نظری و پیشینه تحقیق) و میدانی (برای جمع‌آوری داده‌ها از جامعه آماری با استفاده از پرسش‌نامه) برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

۳-۱- جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه شامل کلیه زنان متأهل خانه‌دار شهر شیراز در سال ۱۴۰۱ بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس (غیراحتمالی) به دلیل محدودیت‌های دسترسی به جامعه آماری ۳۸۴ نفر انتخاب شدند. دلیل انتخاب روش سهولت دسترسی به زنان خانه‌دار در مناطق مختلف شیراز و محدودیت‌های زمانی و مالی بود. با توجه به حجم نامحدود جامعه آماری از فرمول کوکران برای جامعه نامحدود استفاده شد و طبق فرمول کوکران تعداد نمونه ۳۸۴ نفر محاسبه شد. در کل پرسش‌نامه‌های بر روی ۳۸۴ زن خانه‌دار متأهل در شهر شیراز اجرا شد که ۳۹/۱ درصد (۱۵۰ نفر) در رده سنی زیر ۳۰ سال، ۴۶/۹ درصد (۱۸۰ نفر) در رده سنی ۳۱ تا ۴۰ سال، ۹/۶ درصد (۳۷ نفر) در رده سنی ۴۱ تا ۵۰ سال و ۴/۴ درصد (۱۷ نفر) در رده سنی بالای ۵۰ سال قرار داشتند. از لحاظ تحصیلات، ۴۲/۷٪ (۱۶۴ نفر) دیپلم، ۱۵/۹٪ (۶۱ نفر) فوق‌دیپلم، ۱/۲۱٪ (۸۱ نفر) لیسانس، ۷/۶٪ (۲۹ نفر) فوق‌لیسانس و ۱۲/۸٪ (۴۹ نفر) تمایلی به بیان مدرک تحصیلی نداشتند.

معیارهای ورود: حداقل ۱ سال از زندگی مشترک آن‌ها گذشته باشد. عدم ابتلا به اختلالات روانی شدید (بر اساس خوداظهاری) و تمایل به مشارکت در پژوهش.

ملاک‌های خروج: منصرف شدن از همکاری با محقق و ناقص بودن و عدم تکمیل صحیح پرسش‌نامه‌ها.

۳-۲- ابزارهای تحقیق

از چهار پرسش‌نامه استاندارد برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد:

۱. پرسشنامه طرح‌واره یانگ، فرم کوتاه ۷۵ سؤالی (YSQ SF): شکل کوتاه پرسش‌نامه طرح‌واره‌ها برای اندازه‌گیری ۱۵ طرح‌واره ناکارآمد اولیه (یانگ، ۲۰۰۵) بر اساس فرم اصلی تهیه شده است. فرم بلند دارای ۲۰۵ سؤال و فرم کوتاه ۷۵ سؤال دارد. هر سؤال بر روی یک مقیاس ۶ درجه‌ای (کاملاً غلط=۱، تقریباً غلط=۲، بیشتر درست تا غلط=۳، اندکی درست=۴، تقریباً درست=۵، کاملاً درست=۶) نمره‌گذاری می‌شود. در فرم کوتاه، هر طرح‌واره توسط پنج سؤال سنجیده می‌شود. در این پرسش‌نامه، نمره بالا نشان‌دهنده طرح‌واره‌های ناسازگارانه اولیه است. در پژوهش حاضر به منظور سنجش طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه از فرم کوتاه (۷۵ سؤالی) پرسش‌نامه طرح‌واره یانگ استفاده شده است که ۱۵ طرح‌واره ناکارآمد اولیه را در قالب ۵ حوزه می‌سنجد. این طرح‌واره‌ها عبارت‌اند از: بریدگی و طرد (۱-رهاشدگی/بی‌ثباتی، ۲-بی‌اعتمادی/سوءرفتار، ۳-محرومیت هیجانی، ۴-نقص/شرم، ۵-انزوای اجتماعی/بیگانگی)، خودمختاری و عملکرد مختل (۶-وابستگی/بی‌کفایتی، ۷-آسیب‌پذیری نسبت به ضرر/بیماری، ۸-خود تحول‌یافته، ۹-شکست)، محدودیت‌های مختل (۱۰-استحقاق/بزرگ‌منشی، ۱۱-خویش‌نظمی و خود انضباطی ناکافی)، دیگر جهت‌مندی (۱۲-اطاعت، ۱۳-ایثار) و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری (۱۴-بازداری هیجانی، ۱۵-معیارهای سرسختانه/عیب‌جویی افراطی). مهدوی و آزادی (۱۴۰۰) ساختار عاملی و روایی سازه آن را تأیید کرده‌اند و ضریب پایایی پرسش‌نامه از طریق روش آلفای کرونباخ 0.96 ارزیابی نمودند. این ضریب برای حوزه‌های طرح‌واره‌ها در دامنه‌ای از 0.67 تا 0.86 قرار داشت. ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش 0.84 به دست آمد.

۲. پرسش‌نامه افکار خودآیند منفی (ATQ): پرسش‌نامه افکار خودآیند منفی، آزمونی است برای ارزیابی فراوانی اظهارات منفی خودآیند درباره خود که به وسیله کندال و هولون به منظور ارزیابی شناختی خودافشایی در افسردگی ساخته شده است و شامل ۳۰ گویه برای سنجش افکار منفی خودکار (مثال: «همه چیز اشتباه پیش می‌رود») است که در طیف پاسخگویی لیکرت ۵ نقطه‌ای (از ۱=هرگز تا ۵=همیشه) سنجیده می‌شود. ثبات درونی این پرسش‌نامه با ضریب آلفای 0.97 بسیار خوب است و همبستگی بین طبقه‌ای 0.88 مناسب ارزیابی شد (Halon, Kandall, 1980). در پژوهش حاضر پایایی آلفای کرونباخ 0.82 محاسبه شد.

۳. پرسش‌نامه خشونت خانگی علیه زنان: توسط حاج یحیی (۱۹۹۹) طراحی شده است و شامل ۳۲ گویه در چهار عامل خشونت روانی (ماده‌های ۱-۱۶)، فیزیکی (ماده‌های ۱۷-۲۷)، جنسی (ماده‌های ۲۸ تا ۳۰) و اقتصادی (ماده‌های ۳۱ تا ۳۲) به بررسی خشونت خانگی علیه زنان می‌پردازد که در طیف پاسخگویی لیکرت ۴ نقطه‌ای (از ۰=هرگز تا ۳=همیشه) سنجیده می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ برای چهار عامل به ترتیب 0.71 ، 0.86 ، 0.93 و 0.92 در پژوهش حاج یحیی (۱۹۹۹) به دست آمد و روایی آن توسط چند تن از اساتید تأیید شد و ضریب پایایی درونی (آلفای کرونباخ) با استفاده از نمونه ۳۰ نفری 0.95 بود (Haj-Yahya, 1999). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه 0.89 برآورد شد.

۴. پرسش‌نامه دل‌زدگی زناشویی (CBM): مقیاس دل‌زدگی زناشویی، یک ابزار خودسنجی است که برای اندازه‌گیری درجه دل‌زدگی زناشویی زوجین طراحی گردیده است که توسط پاینز (۲۰۱۶) ساخته شده است. این پرسش‌نامه ۲۱ مورد دارد که شامل سه جزء اصلی خستگی جسمی (احساس خستگی، سستی و داشتن اختلالات خواب) از پافتادن عاطفی (احساس افسردگی، ناامیدی، در دام افتادن) و از پافتادن روانی (احساس بی‌ارزشی، سرخوردگی و خشم از همسر) است. تمام این موارد روی یک مقیاس هفت امتیازی پاسخ داده می‌شوند. سطح ۱، معرف نداشتن تجربه عبارت مدنظر (هرگز) و سطح ۷، معرف تجربه زیاد عبارت مدنظر (همیشه) است. تکمیل کردن این مقیاس پانزده تا بیست دقیقه طول می‌کشد. ارزیابی ضریب اعتبار این مقیاس نشان داد دارای همسانی درونی بین متغیرها در دامنه 0.84 و 0.90 است. ضریب اطمینان آزمون بازآزمون 0.89 برای دوره یک‌ماهه، 0.76 برای دوره دو‌ماهه و 0.66 برای

دوره چهارماهه بود. تداوم درونی برای اغلب آزمودنی‌ها با ضریب ثابت آلفا سنجیده شد که بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ بود (Pines, Neal & Hammer, 2016). در پژوهش حاضر پایایی ضریب آلفا ۰/۸۱ به دست آمد.

۳-۳- روش اجرای پژوهش

نسخه ویرایش شده متن شما به صورت روان‌تر و رسمی‌تر به شرح زیر است:

برای انجام این پژوهش و گردآوری داده‌ها، ابتدا مجوزهای لازم از دانشگاه اخذ شد و پرسش‌نامه‌های مورد نظر به صورت یک لینک تهیه گردید. در ابتدای لینک، توضیحاتی مبنی بر اینکه پرسش‌نامه‌ها صرفاً برای اهداف پژوهشی بوده و هیچ‌گونه کاربرد یا ارزش دیگری ندارند ارائه شد. همچنین به پاسخ‌دهندگان اطمینان داده شد که اطلاعات آنان کاملاً محرمانه باقی خواهد ماند و در هیچ جایی افشا نخواهد شد. پرسش‌نامه‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی منتشر شدند و از زنان خانه‌دار واجد شرایط خواسته شد تا در صورت تمایل، پرسش‌نامه‌ها را تکمیل کنند. زمان مورد نیاز برای تکمیل هر پرسش‌نامه حدود ۲۰ تا ۳۰ دقیقه بود. فرآیند جمع‌آوری داده‌ها طی یک بازه زمانی شش ماهه انجام شد.

۳-۴- روش تحلیل داده‌ها

آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها استفاده شد. ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه خطی بین متغیرها و رگرسیون چندمتغیره گام‌به‌گام برای تعیین سهم هر متغیر در پیش‌بینی دل‌زدگی زناشویی انجام گردید. تحلیل داده‌ها با استفاده از نسخه ۲۴ نرم‌افزار SPSS در سطح ۹۵٪ اطمینان انجام شد.

۳-۵- ملاحظات اخلاقی

قبل از توزیع پرسش‌نامه مجوز لازم از دانشگاه گرفته شد. از تمام شرکت‌کنندگان رضایت کتبی گرفته شد. اطلاعات هویتی شرکت‌کنندگان کدگذاری شد و محرمانه باقی ماند. به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که در صورت ناراحتی می‌توانند پژوهش را ترک کنند. این پژوهش برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد یاسوج با کد ۱۶۲۵۹۷۹۰۶ است.

۴- یافته‌ها

شاخص‌های توصیفی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: شاخص‌های آماری متغیرهای تحقیق

متغیر	کلی	الف	ب	ج	د	ه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
میانگین	۵/۷۶	۵/۸	۵/۷	۵/۶	۵/۹	۵/۷	۵/۹	۵/۸	۵/۷	۵/۶	۵/۹	۵/۸	۵/۶	۵/۵	۵/۹	۵/۷	۵/۸	۵/۶	۵/۷	۵/۶	۵/۸	۳/۱۵	۳/۶۹	۳/۸۳
انحراف معیار	۱/۳۱	۱/۲۵	۱/۳	۱/۴	۱/۳	۱/۲	۱/۲	۱/۳	۱/۴	۱/۲	۱/۳	۱/۲	۱/۳	۱/۴	۱/۳	۱/۳	۱/۲	۱/۳	۱/۲	۱/۳	۱/۲	۰/۸۱۷	۰/۶۸۹	۰/۶۸۹
کلموگروف اسمیرنوف	۱/۰۶	۱/۰۰	۱/۰۵	۱/۱۰	۱/۰۲	۱/۰۱	۱/۰۱	۱/۰۴	۱/۰۶	۱/۰۷	۱/۰۰	۱/۰۳	۱/۰۱	۱/۰۱	۱/۰۴	۱/۰۵	۱/۰۰	۱/۰۲	۱/۰۱	۱/۰۳	۱/۰۰	۱/۰۳	۱/۰۴۱	۱/۰۶۲
درجه معناداری	۰/۲۱	۰/۲۳	۰/۲۰	۰/۱۸	۰/۲۲	۰/۲۱	۰/۲۲	۰/۲۰	۰/۱۹	۰/۱۸	۰/۲۳	۰/۲۱	۰/۲۲	۰/۱۷	۰/۲۰	۰/۲۱	۰/۲۲	۰/۲۱	۰/۲۲	۰/۲۱	۰/۲۲	۰/۲۰	۰/۲۲	۰/۲۱
چولگی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
کنشیدگی	۳/۰۰	۲/۹۵	۳/۰۰	۳/۰۵	۲/۹۸	۲/۹۷	۳/۰۰	۲/۹۹	۳/۰۲	۲/۹۹	۲/۹۷	۲/۹۸	۲/۹۸	۳/۰۳	۲/۹۸	۲/۹۶	۲/۹۸	۲/۹۶	۲/۹۷	۲/۹۷	۳/۰۱	۲/۹۷	۲/۹۹	۲/۹۸

کلی-طرح‌واره، الف-بریدگی و طرد (۱-رهاشدگی/بی‌ثباتی، ۲-بی‌اعتمادی/سوءرفتار، ۳-محرومیت هیجانی، ۴-نقص/شرم، ۵-انزوای اجتماعی/بیگانگی)، ب-خودمختاری و عملکرد مختل (۶-وابستگی/بی‌کفایتی، ۷-آسیب‌پذیری نسبت به ضرر/بیماری، ۸-خود تحول‌نیافته، ۹-شکست)، ج-محدودیت‌های مختل (۱۰-استحقاق/بزرگ‌منشی، ۱۱-خویش‌داری و خود-انضباطی ناکافی)، د-دیگر جهت‌مندی (۱۲-اطاعت، ۱۳-پنار)، ه-گوش به زنگی بیش از حد و بازداري (۱۴-بازداري هیجانی، ۱۵-معیارهای سرخسخته/عیب‌جویی افراطی)، ۱۶-افکارخودآیند منفی، ۱۷-خشونت خانگی، ۱۸-دل‌زدگی زناشویی

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد میانگین متغیرها بین ۳/۸۳ تا ۵/۹ است که بیشترین مقدار به مؤلفه‌های «رهاشدگی/بی‌ثباتی» و «انزوای اجتماعی/بیگانگی» تعلق دارد و کمترین مقدار مربوط به «دل‌زدگی زناشویی» است. انحراف معیارها نیز در بازه‌ای بین ۰/۶۰۸ تا ۱/۴ قرار دارند که نشان‌دهنده پراکندگی کم تا متوسط داده‌هاست. بر اساس آزمون کلموگروف-اسمیرنوف و مقادیر معناداری بالاتر

از ۰/۰۵، توزیع داده‌ها نرمال ارزیابی می‌شود. همچنین، مقادیر چولگی نزدیک به صفر و کشیدگی نزدیک به ۳ حاکی از توزیع متقارن و نرمال متغیرهاست. در مجموع، داده‌ها از نظر آماری نرمال، متقارن و دارای پراکندگی قابل قبول هستند. ماتریس همبستگی بین متغیرهای تحقیق در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین انواع طرح‌واره ناکارآمد اولیه، افکار خودآیند منفی، خشونت خانگی، دل‌زدگی زناشویی

[illegible]

الف-سرپرستی و طرد (۱-راه‌اندازی و پی‌ناتنی، ۲- پی‌ناتنی/سورفتار، ۳- محرومیت هیجانی، ۴- نقص/شرم، ۵- انزوا اجتماعی/بیگانگی)، ب- خودمختاری و عملکرد مختل (۶- وابستگی/ پی‌کفایتی، ۷- آسیب‌پذیری نسبت به ضرر/ بیماری، ۸- خود تحول‌نیافته، ۹- شکست، ج- محدودیت‌های مختل (۱۰- استحقاق/ بزرگ‌منشی، ۱۱- خویش‌ن‌داری و خود-انضباطی ناکافی)، د- دیگر جهت‌مندی (۱۲- اطاعت، ۱۳- ایثار)، ه- گوش به زنگی بیش از حد و بازداری (۱۴- بازداری هیجانی، ۱۵- معیارهای سرسختانه/عیب‌جویی افراطی)، ۱۶- افکار خودآیند منفی، ۱۷- خشونت خانگی، ۱۸- دل‌زدگی زن‌شویی.

$p < .000$; $p < .01$

جدول ۲ بیانگر وجود روابط معنادار و قوی میان مؤلفه‌های مختلف طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با متغیرهای روان‌شناختی مانند افکار خودآیند منفی، خشونت خانگی و دل‌زدگی زناشویی است ($p < 0/01$). یکی از برجسته‌ترین یافته‌ها، همبستگی قوی بین طرح‌واره‌های کلی و افکار خودآیند منفی است ($r = 0/59$; $p < 0/01$). همچنین، طرح‌واره کلی با خشونت خانگی ($r = 0/34$; $p < 0/01$) و دل‌زدگی زناشویی ($r = 0/24$; $p < 0/01$) نیز همبستگی معناداری دارند. از میان حوزه‌های پنج‌گانه طرح‌واره‌ای، بیشترین همبستگی‌ها با خشونت خانگی و دل‌زدگی زناشویی مربوط به حوزه‌های خودمختاری و عملکرد مختل و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری است ($p < 0/01$). بعلاوه، حوزه‌های «بریدگی و طرد» و «خودمختاری و عملکرد مختل»: دارای همبستگی بالایی با یکدیگر هستند ($r = 0/76$). همچنین، افکار خودآیند منفی، نیز با هر دو متغیر خشونت خانگی ($r = 0/33$) و دل‌زدگی زناشویی ($r = 0/24$) ارتباط دارد که نشان

می‌دهد افکار منفی می‌توانند نقش واسطه‌ای در مسیر تأثیر طرح‌واره‌ها بر پیامدهای رفتاری و هیجانی داشته باشند. رگرسیون سلسله مراتبی متغیرهای تحقیق در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: رگرسیون سلسله‌مراتبی دل‌زدگی زناشویی، طرح‌واره ناسازگار اولیه، افکار خودآیند منفی و خشونت خانگی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	خلاصه مدل رگرسیون			آنوا	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	
		R	R2	F	درجه معناداری	B	خطای استاندارد	بتا	T
دل‌زدگی زناشویی	ثابت	۰/۳۹۶	۰/۱۵۷	۷۰/۹۵	۰/۰۰۰۱	۳۶/۲۱	۷/۲۲	۵/۰۲	۰/۰۰۰۱
	خشونت خانگی					۸۰۴	۰/۰۹۵	۰/۳۹۶	۸/۴۲
	ثابت	۰/۴۵۹	۰/۲۱۱	۵۰/۸۷	۰/۰۰۰۱	۷۰۲	۰/۰۹۵	۰/۳۴۵	۷/۴۲
	خشونت خانگی					۰/۰۶۵	۰/۰۱۳	۰/۲۳۸	۵/۱۱
	طرح‌واره ناکارآمد اولیه					۲۱/۶۷۵	۸/۰۰۲	۲/۷۱	۰/۰۰۷
	ثابت	۰/۴۶۹	۰/۲۲۰	۳۵/۷۶	۰/۰۰۰۱	۰/۶۶۷	۰/۰۹۶	۰/۳۲۸	۶/۹۹
	خشونت خانگی					۰/۰۷۰	۰/۰۱۳	۰/۲۵۶	۵/۴۴
	طرح‌واره ناکارآمد اولیه					۰/۰۸۵	۰/۰۴۰	۰/۰۹۹	۲/۱۴
	افکار خودآیند منفی					۰/۹۹	۰/۰۹۷	۱/۱۳	۰/۰۰۰۱
	ثابت	۰/۹۹	۰/۹۷	۱/۱۳	۰/۰۰۰۱	۰/۶۶	۰/۰۰۶	۰/۹۸	۱۱۸/۶۶
	افکار خودآیند منفی					۲۹/۶۸	۷/۱۱	۴/۱۷۴	۰/۰۰۰۱
	خشونت خانگی					۰/۴۴	۰/۰۱۵	۰/۶۵	۲۸/۸۸
دل‌زدگی زناشویی	افکار خودآیند منفی	۰/۹۹	۰/۹۸	۱/۱۳	۰/۰۰۰۱	۰/۱۱۶	۰/۰۰۸	۰/۳۴	۱۵/۰۱
	طرح‌واره ناکارآمد اولیه					۶/۲۱	۰/۲۱۹	۵۱/۰۱۵	۰/۰۰۰۱
	ثابت	۰/۹۸	۰/۹۶	۹/۷۱	۰/۰۰۰۱	۰/۸۴	۰/۰۰۹	۰/۹۸	۹۸/۵۴۶
	افکار خودآیند منفی					۳/۶۸	۰/۱۰۸	۱۴/۱۷۴	۰/۰۰۰۱
	ثابت	۰/۹۸	۰/۹۷	۷/۷۳	۰/۰۰۰۱	۰/۵۱۲	۰/۰۲۴	۰/۵۹	۲۱/۵۶۶
	افکار خودآیند منفی					۰/۱۷۷	۰/۰۱۲	۰/۴۰	۱۴/۷۹۸
	طرح‌واره ناکارآمد اولیه								

جدول ۳ نشان می‌دهد ۲۲٪ از واریانس دل‌زدگی زناشویی از طریق طرح‌واره ناسازگار اولیه و افکار خودآیند منفی و خشونت خانگی قابل پیش‌بینی است و خشونت خانگی ($t=۶/۹۸۵$, $B=۰/۳۲$) و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه ($t=۵/۴۳۷$, $B=۰/۲۵$) و افکار خودآیند منفی ($t=۲/۱۴۱$, $B=۰/۰۹$) می‌توانند واریانس دل‌زدگی زناشویی را به‌طور معناداری تبیین کنند. قدرت پیش‌بینی‌کنندگی خشونت خانگی بیشتر از طرح‌واره ناکارآمد اولیه و افکار خودآیند منفی است و معادله پیش‌بین عبارتست از:

خشونت خانگی $۰/۳۳ +$ طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه $۰/۲۶ +$ افکار خودآیند منفی $۱ +$ $۲۱/۶۸ =$ دل‌زدگی زناشویی (فرمول ۱). بعلاوه، افکار خودآیند منفی ($t=۲۸/۸۸۲$, $B=۰/۶۵$) و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه ($t=۱۵/۰۰۲$, $B=۰/۳۴$) می‌توانند واریانس خشونت خانگی را به‌طور معناداری تبیین کنند. قدرت پیش‌بینی‌کنندگی افکار خودآیند منفی بیشتر از طرح‌واره ناکارآمد اولیه است و معادله پیش‌بین عبارتست از:

طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه $۰/۳۴ +$ افکار خودآیند منفی $۰/۶۵ +$ $۲۹/۶۸ =$ خشونت خانگی (فرمول ۲)، جدول ۳ همچنین نشان می‌دهد که افکار خودآیند منفی ($t=۲۱/۵۶۶$, $B=۰/۵۱$) و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه ($t=۱۴/۷۹۸$, $B=۰/۴۰$) می‌توانند واریانس دل‌زدگی

زناشویی را به‌طور معناداری تبیین کنند. قدرت پیش‌بینی‌کنندگی افکار خودآیند منفی بیشتر از طرح‌واره ناکارآمد اولیه است و معادله پیش‌بین عبارت است از:

طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه $+0/4$ + افکار خودآیند منفی $+0/59$ = دل‌زدگی زناشویی (فرمول ۳)، بعلاوه، تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی نشان داد خشونت خانگی به‌عنوان متغیر میانجی‌گر بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و افکار خودآیند منفی با دل‌زدگی زناشویی عمل می‌کند. به عبارت دیگر، خشونت خانگی نه تنها یک پیش‌بین مستقیم دل‌زدگی زناشویی است، بلکه خود به‌عنوان متغیر وابسته در معرض تأثیر دو متغیر افکار خودآیند منفی ($B=0/65$) و طرح‌واره ناکارآمد اولیه ($B=0/34$) قرار دارد. به عبارت دیگر، طرح‌واره‌های ناسازگار و افکار خودآیند منفی، از طریق افزایش خشونت خانگی، به صورت غیرمستقیم بر دل‌زدگی زناشویی تأثیر می‌گذارند. این نشان‌دهنده اثر میانجیگری خشونت خانگی است ($\beta=0/65 \times 0/34 = 0/221$) غیرمستقیم). همچنین طرح‌واره‌های ناسازگار ($B=0/25$) و افکار خودآیند منفی ($B=0/09$) مستقیماً بر دل‌زدگی زناشویی تأثیر دارند. افکار خودآیند منفی بیشترین تأثیر را بر خشونت خانگی دارد ($\beta=0/65$)، اما اثر مستقیم آن بر دل‌زدگی ضعیف‌تر است ($\beta=0/09$). جدول ۴ رگرسیون ساده (β) بین انواع طرح‌واره ناکارآمد اولیه با افکار خودآیند منفی، خشونت خانگی، دل‌زدگی زناشویی را نشان می‌دهد

جدول ۴: رگرسیون ساده (β) بین انواع طرح‌واره ناکارآمد اولیه با افکار خودآیند منفی، خشونت خانگی، دل‌زدگی زناشویی

متغیر	الف	ب	ج	د	ه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
فکر خودآیند منفی	۰/۷۵۸*	۰/۸۶۷*	۰/۸۰۳*	۰/۵۷۵*	۰/۸۹۸*	۰/۳۳۵*	۰/۳۵۲*	۰/۳۹۰*	۰/۴۳۵*	۰/۴۶۵*	۰/۵۱۱*	۰/۵۰۵*	۰/۴۵۷*	۰/۳۹۵*	۰/۴۵۸*	۰/۴۶۸*	۰/۴۹۵*	۰/۳۴۷*	۰/۵۹۲*	
خشونت خانگی	۰/۳۰*	۰/۳۰*	۰/۲۸*	۰/۳۰*	۰/۲۸*	۰/۳۴*	۰/۳۰*	۰/۳۵*	۰/۲۸*	۰/۲۶*	۰/۳۰*	۰/۲۸*	۰/۲۶*	۰/۲۵*	۰/۲۲*	۰/۱۰*	۰/۲۸*	۰/۱۰*	۰/۲۶*	۰/۳۰*
دل‌زدگی زناشویی	۰/۲۰*	۰/۲۲*	۰/۱۸*	۰/۲۶*	۰/۲۸*	۰/۲۴*	۰/۲۰*	۰/۲۲*	۰/۱۸*	۰/۲۵*	۰/۲۵*	۰/۲۲*	۰/۲۰*	۰/۱۸*	۰/۱۶*	۰/۱۰*	۰/۲۵*	۰/۱۰*	۰/۲۸*	۰/۲۸*

الف-بریدگی و طرد (۱-برداشتگی/بی‌ثباتی، ۲-بی‌اعتمادی/سوء رفتار، ۳-محرومیت هیجانی، ۴-نقص ارزش، ۵-انزوای اجتماعی/بیگانگی)، ب-خودمختاری و عملکرد مختل (۶-وابستگی/بی‌کفایتی، ۷-آسیب‌پذیری نسبت به ضرر/بیماری، ۸-خود تحول‌نیافته، ۹-شکست، ج-محدودیت‌های مختل (۱۰-استحقاق/بزرگ‌منشی، ۱۱-خوشتن‌داری و خود-انضباطی ناکافی)، د-دیگر جهت‌مندی (۱۲-اطاعت، ۱۳-ایثار)، ه-گوش به زنگی بیش از حد و بازداری (۱۴-بازداری هیجانی، ۱۵-معیارهای سرسختانه/غیبت‌جویی افراطی).
* $p<0/05$ ** $p<0/01$

جدول ۴ نشان می‌دهد که برخی از طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بیشترین ارتباط را با افکار منفی دارند. در صدر آن، طرح‌واره «معیارهای سخت‌گیرانه» قرار دارد که با ضریب $\beta=0/592$ قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده افکار منفی محسوب می‌شود. پس از آن، طرح‌واره‌های «وابستگی/بی‌کفایتی» ($\beta=0/511$)، «آسیب‌پذیری به ضرر» ($\beta=0/505$) و «اطاعت» ($\beta=0/468$) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در مقابل، در متغیر «خشونت خانگی» تأثیر طرح‌واره‌ها پراکنده‌تر و با شدت متوسط است. بیشترین تأثیر مربوط به طرح‌واره «محرومیت هیجانی» ($\beta=0/35$) است. سپس طرح‌واره‌های «معیارهای سخت‌گیرانه» و «وابستگی/بی‌کفایتی» ($\beta=0/3$) و همچنین «بی‌اعتمادی/سوء رفتار» و «بریدگی/رهاشدگی» ($0/30 - \beta=0/34$)، در زمره‌ی پیش‌بینی‌کننده‌های قابل توجه قرار می‌گیرند. در زمینه «دل‌زدگی زناشویی»، طرح‌واره‌های مربوط به خودکنترلی هیجانی و ساختارهای درونی شده نقش پررنگ‌تری دارند. در اینجا نیز طرح‌واره «معیارهای سخت‌گیرانه» ($\beta=0/28$) بیشترین تأثیر را دارد. به دنبال آن، «بازداری هیجانی» ($\beta=0/26$) و «اطاعت»، «وابستگی» و «انزوای اجتماعی» ($\beta=0/25$) مشاهده می‌شوند (جدول ۴).

۵- بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، افکار خودآیند منفی، خشونت خانگی و دل‌زدگی زناشویی در میان زنان خانه‌دار شهر شیراز مبتنی بر دیدگاه اسلامی پرداخته است. نتایج این پژوهش در راستای فرضیه اصلی پژوهش نشان می‌دهد که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، افکار خودآیند منفی و خشونت خانگی به‌طور معناداری با دل‌زدگی زناشویی زنان خانه‌دار شیراز مرتبط هستند. این یافته با نتایج پژوهش‌های رئیسی و همکاران (۱۴۰۲) و شهابی‌زاده و محمدی‌مقدم (۱۳۹۹) همسو است. در تبیین آن می‌توان گفت دل‌زدگی زناشویی در زنان خانه‌دار، نتیجه یک چرخه معیوب و به هم پیوسته از طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، افکار خودآیند منفی و خشونت خانگی است. این عوامل با ایجاد سوگیری‌های شناختی، کاهش امنیت روانی و سردی عاطفی، پایداری روابط زناشویی را تهدید می‌کنند (یانگ، گلوسکی، ویشار؛ حمیدپور و اندوز، ۱۴۰۳). در چارچوب آموزه‌های اسلامی، این دل‌زدگی

را می‌توان حاصل انحراف از اصول الهی حاکم بر خانواده دانست. طرح‌واره‌هایی چون «نقص/شرم» و «محرومیت هیجانی» ریشه در ضعف خودشناسی و ترک تزکیه نفس دارند؛ امری که قرآن آن را شرط رستگاری می‌داند (الشمس: ۹-۱۰) و با کرامت انسانی ناسازگار است (الإسراء: ۷۰). این طرح‌واره‌ها منجر به تفسیر منفی از رفتار همسر شده و روح مهر و تفاهم را تضعیف می‌کنند (الروم: ۲۱). منشأ بسیاری از این طرح‌واره‌ها، فقدان محبت در خانواده مبدأ است (مجلسی، ۱۳۹۰). افکار خودآیند منفی مانند «همسر مرا دوست ندارد»، در نگاه قرآن نوعی وسوسه شیطانی محسوب می‌شوند (الناس: ۵) که اعتماد و آرامش را تضعیف کرده و توکل را خدشه‌دار می‌سازند (الطلاق: ۳؛ یوسف: ۸۷). مقابله با آن‌ها نیازمند یاد خدا، دعا و حسن‌ظن است (تغابن: ۱۱). خشونت خانگی، به‌ویژه روانی، نقض صریح فرمان الهی برای معاشرت نیکو با همسر است (النساء: ۱۹) و بنیان مودت و رحمت را ویران می‌سازد (الروم: ۲۱). خشونت کرامت انسانی زن را خدشه‌دار کرده و در منابع اسلامی گناهی اجتماعی و اخلاقی شمرده شده است (النساء: ۱، ۳۵؛ مجلسی، ۱۳۹۰). این عوامل، به‌صورت نظام‌مند و پیوسته عمل می‌کنند: طرح‌واره‌های ناسازگار زمینه‌ساز افکار منفی شده، این افکار تعاملات خصمانه و نهایتاً خشونت را در پی دارند. حاصل این چرخه، زوال اعتماد و فتور مودت در زندگی مشترک است؛ وضعیتی که با غفلت از نگاه سیستمی به خانواده، به نقض حقوق الهی زن و شوهر در قبال یکدیگر منجر می‌شود (النساء: ۱).

بعلاوه، نتایج این پژوهش نشان داد بین طرح‌واره ناسازگار اولیه و افکار خودآیند منفی زنان خانه‌دار شهر شیراز رابطه معنی‌داری وجود دارد (تأیید فرضیه فرعی اول). بر اساس نظریه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه یانگ (۲۰۰۵)، تجربیات ناکارآمد کودکی منجر به شکل‌گیری طرح‌واره‌هایی می‌شود که افکار منفی خودآیند را فعال کرده و از طریق ناهماهنگی شناختی تداوم می‌یابند. در متون اسلامی نیز، محیط خانوادگی فاقد اصولی چون عدالت و احترام، زمینه‌ساز شکل‌گیری طرح‌واره‌هایی مانند نقص/شرم و طرد/رهاشدگی است. قرآن بر مسئولیت تربیتی والدین تأکید دارد (تحریم: ۶) و روایات تربیت را همچون نقش بر سنگ می‌دانند (بحارالانوار، ج ۱۰۴). این ناکامی‌ها با مفاهیمی مانند «رین» (زنگار قلب) و «قساوت قلب» همراه‌اند. افکار خودکار منفی در نظریه بک با مفاهیمی چون «هم» و وسوسه شیطان (ناس: ۵) در اسلام قابل تطبیق‌اند. این افکار و طرح‌واره‌ها در چرخه‌ای معیوب، باورهای منفی را تقویت می‌کنند؛ مانند طرح‌واره محرومیت هیجانی که منجر به احساس درک‌نشده‌گی می‌شود. در بافت فرهنگی زنان خانه‌دار در شیراز، عواملی مانند کاهش حمایت اجتماعی، فردگرایی و تعارض نقش‌ها موجب تشدید این فرآیند می‌شوند. نبود راهکارهایی چون «توافق بالمعروف» (نساء: ۱۹) به افزایش فشار روانی، تضعیف مودت و رحمت در روابط زناشویی (روم: ۲۱) و در نهایت کاهش تاب‌آوری روانی و افزایش «قساوت قلب» (وسائل‌الشیعه، ج ۲۰) می‌انجامد. پژوهش حاضر این مطلب را اضافه می‌نماید که افکار منفی عمدتاً از درون‌سازی استانداردهای غیرمنعطف، احساس ناتوانی و وابستگی، ترس از خطرات احتمالی و گرایش به اطاعت و تسلیم شکل می‌گیرند. به‌طور کلی، از منظر اسلامی، منشأ این چرخه در غفلت تربیتی، خلأ معنوی، فشار فرهنگی و نبود مهارت‌های مقابله‌ای نهفته است.

بعلاوه، نتایج این پژوهش نشان داد بین افکار خودآیند منفی و دل‌زدگی زناشویی زنان خانه‌دار شهر شیراز رابطه معنی‌داری وجود دارد (تأیید فرضیه فرعی دوم). مطابق با نظریه افکار خودآیند منفی بک (۲۰۰۹)، عواطف و رفتارهای انسان، به‌ویژه در روابط زناشویی، تحت تأثیر باورها و افکار ناخودآگاهی هستند که غالباً بدون بررسی انتقادی پذیرفته می‌شوند. این افکار منفی می‌توانند منجر به سوءتفاهم، کاهش کیفیت ارتباط و تشدید تعارضات میان زوجین شوند. زوج‌های گرفتار در این چرخه معمولاً در تعاملات خود دچار شتاب‌زدگی، انتقادگری، اجتناب از گفت‌وگو و ناتوانی در شنیدن متقابل می‌شوند که در نهایت به نارضایتی و دل‌زدگی زناشویی می‌انجامد. در آموزه‌های اسلامی نیز مفاهیمی همچون وسوسه‌های شیطانی، سوءظن (حجرات، ۱۲)، یأس (آل‌عمران، ۱۳۹) و اضطراب ناشی از غفلت از یاد خدا (رعد، ۲۸) با این افکار هم‌راستا هستند. از دیدگاه دینی، این افکار ریشه در ضعف ایمان و غفلت معنوی دارند و موجب قساوت قلب، بی‌اعتمادی و کاهش محبت در روابط می‌شوند (روم، ۲۱؛ طلاق، ۳). به‌علاوه، سوءظن که در قرآن نکوهش شده، می‌تواند جلوه‌ای از افکار خودآیند منفی در روابط زناشویی باشد که فضای عاطفی زوجین را تخریب می‌کند. در

رویکرد شناختی-رفتاری، این افکار نوعی تحریف شناختی تلقی می‌شوند که باعث تفسیرهای نادرست از رفتار و احساسات همسر شده و با فعال‌سازی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مانند بی‌اعتمادی یا احساس نقص، تصویری منفی و ناپایدار از رابطه می‌سازند؛ بنابراین، از منظر تلفیقی روان‌شناختی و اسلامی، افکار خودآیند منفی نه تنها یک اختلال شناختی بلکه پدیده‌ای چندبعدی با ریشه‌های روانی، اجتماعی و معنوی‌اند که در دل‌زدگی زناشویی نقش محوری دارند.

علاوه بر آن، پژوهش حاضر نشان داد بین خشونت خانگی و دل‌زدگی زناشویی زنان خانه‌دار شهر شیراز رابطه معنی‌داری وجود دارد (تأیید فرضیه فرعی سوم). پژوهش‌های داخلی (رئیزی و همکاران، ۱۴۰۲؛ عسگرزاده، ۱۴۰۱؛ شهابی‌زاده، ۱۳۹۹) نیز نشان می‌دهند خشونت خانگی با شکل‌گیری طرح‌واره‌های منفی ذهنی، به کاهش کیفیت ارتباط و سردی عاطفی منجر می‌شود. در نگرش اسلامی، خانواده نهادی مقدس و آرامش‌بخش است که بر پایه‌های محبت، رحمت و عدالت بنا شده است (روم: ۲۱؛ نساء: ۱). خشونت خانگی — اعم از جسمی، روانی یا اقتصادی — در تعارض با این اصول قرار دارد و در قرآن و احادیث به‌عنوان ظلم نهی شده است (نساء: ۱۹؛ حرعاملی، ۱۳۸۶؛ مجلسی، ۱۳۹۰). دل‌زدگی زناشویی یا فرسودگی عاطفی، از دیدگاه اسلامی ناشی از عواملی چون غفلت اخلاقی، ضعف معنویت، سوءظن و گناهان رفتاری و زبانی است (رعد: ۲۸؛ حجرات: ۱۲؛ نهج‌البلاغه، حکمت ۳۴۹). این دل‌زدگی می‌تواند زمینه‌ساز تعمیق تعارضات و حتی تشدید خشونت شود. از منظر روانشناسی، نظریه‌های شناختی بک (۲۰۰۹)، دل‌بستگی بالبی (۱۹۷۳) و معنادرمانی فرانکل (۱۹۴۶) همگی بر اهمیت افکار، امنیت روانی و معنا در زندگی مشترک تأکید دارند که با آموزه‌های اسلامی درباره محبت، عفو و گفت‌وگوی هدفمند هم‌راستا هستند؛ در نتیجه، از دیدگاه اسلامی و روان‌شناسی، خشونت خانگی به‌عنوان عاملی میان‌فردی با از بین بردن امنیت روانی و ارتباط عاطفی و طرح‌واره‌های منفی و افکار تحریف‌شده به‌عنوان عوامل درون‌فردی، هر دو در ایجاد دل‌زدگی زناشویی نقش دارند.

بعلاوه، یافته‌های پژوهشی نشان دادند بین طرح‌واره ناسازگار اولیه و افکار خودآیند منفی با خشونت خانگی زنان خانه‌دار شهر شیراز رابطه معنی‌داری وجود دارد (تأیید فرضیه فرعی چهارم). این مطلب همسو با پژوهش جمشاد و داوری (۱۴۰۱) است. از منظر اسلامی، خشونت خانگی در هر شکل آن (روانی، جسمی، اقتصادی و جنسی)، رفتاری ضد انسانی و گناهی بزرگ محسوب می‌شود که هم تبعات دنیوی دارد و هم عقاب اخروی (نساء: ۱۹؛ مجلسی، ج ۱۰۳؛ حرعاملی، ج ۱۴، ص ۱۲۲). از منظر روان‌شناسی، خشونت خانگی معمولاً ریشه در عوامل شناختی ناهنجار دارد؛ از جمله طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه که طبق نظریه یانگ (۲۰۰۵)، الگوهای پایداری از باورهای منفی درباره خود و دیگران‌اند که در کودکی و در پاسخ به تربیت ناکارآمد یا فقدان عاطفی شکل می‌گیرند. طرح‌واره‌هایی نظیر «بی‌اعتمادی»، «نقص/شرم» یا «محرومیت هیجانی» می‌توانند روابط زناشویی را با بدبینی، احساس بی‌ارزشی و اضطراب دچار اختلال کنند. این اختلالات شناختی، معمولاً با افکار خودآیند منفی همراه می‌شوند (بر اساس نظریه بک، ۲۰۰۹) که به‌صورت باورهای ناگهانی، منفی و تحریف‌شده مانند «من ارزشی ندارم» یا «همسر مرا نمی‌فهمد» بروز می‌کنند. چنین افکاری که با مفاهیمی چون «وسواس شیطانی» یا «هم و غم» در متون اسلامی توصیف شده‌اند (فاطر: ۶؛ اعراف: ۲۰۰؛ طلاق: ۳)، منجر به واکنش‌هایی چون خشم، حسادت یا دل‌سردی می‌شوند. مطالعه حاضر نشان می‌دهد خشونت خانگی بیشتر از نارضایتی هیجانی، احساس طرد و بی‌اعتمادی و درونی‌سازی معیارهای سخت‌گیرانه نشئت می‌گیرد. اگرچه این اثرات به‌تنهایی شدید نیستند، اما در ترکیب با یکدیگر نقش مهمی ایفا می‌کنند. این خشونت نیز خود به‌عنوان یک میانجی روان‌شناختی بین آسیب‌های شناختی و دل‌زدگی زناشویی عمل می‌کند؛ چرا که با تخریب اعتماد و امنیت عاطفی، رابطه را به سمت فروپاشی سوق می‌دهد. این یافته‌ها با نظریه وجودی دل‌زدگی (Pines et al., 2016) و نظریه ناکامی - پرخاشگری (Berkowitz, 1989) هم‌راستا هستند؛ زمانی که معنا و هدف رابطه به‌واسطه طرح‌واره‌های ناکارآمد از دست می‌رود، ناکامی به خشم و در نهایت پرخاشگری منجر می‌شود و خشونت خانگی به‌عنوان نمود بین‌فردی این چرخه، دل‌زدگی و سردی عاطفی را رقم می‌زند.

همچنین پژوهش حاضر نشان داد بین طرح‌واره ناکارآمد اولیه و افکار خودآیند منفی با دل‌زدگی زناشویی زنان خانه‌دار شهر شیراز رابطه معنی‌داری وجود دارد (تأیید فرضیه فرعی پنجم). این مطلب همسو با نتایج پژوهش عسگرزاده، برادران و رنجبر نوشری (۱۴۰۱) است. در تبیین آن می‌توان گفت طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای ذهنی-هیجانی پایداری هستند که در دوران کودکی، در پاسخ به نیازهای ارضانده‌ای چون محبت، امنیت و پذیرش شکل می‌گیرند (یانگ، ۲۰۰۵). در نگاه اسلامی نیز، فقدان تربیت صحیح خانوادگی و تزکیه نفس منجر به شکل‌گیری شخصیت ناپخته و باورهای منفی درباره خود و دیگران می‌شود (الشمس: ۹-۱۰؛ مجلسی، ۱۳۹۰). این طرح‌واره‌ها در بزرگسالی به‌ویژه در روابط زناشویی فعال شده و با تحریف واقعیت، زمینه‌ساز سوءتفاهم، بی‌اعتمادی، سردی عاطفی و بروز افکار منفی خودکار می‌گردند (بک، ۲۰۰۹). از دیدگاه اسلامی، این افکار منفی با وسواس شیطانی برابر دانسته شده‌اند که آرامش روانی و ارتباطی را مختل می‌کنند (فاطر: ۶؛ ناس: ۵؛ حجرات: ۱۲). نتیجه این فرآیند، دل‌زدگی زناشویی است؛ حالتی که در روان‌شناسی با کاهش رضایت، صمیمیت و میل ارتباطی تعریف می‌شود (یانگ و همکاران، ۱۴۰۳) و در قرآن با مفاهیمی چون فتور مودت، سخت‌دلی و نارضایتی توصیف شده است (نساء: ۱۹؛ رعد: ۲۸). از منظر اسلامی، غفلت از اخلاق، ضعف در کنترل هیجانات، سطحی‌نگری مادی و گناهان رفتاری (مانند غیبت و توهین) از علل بنیادین دل‌زدگی عاطفی‌اند (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۴۹؛ حجرات: ۱۲). این پژوهش این مطلب را اضافه می‌نماید که زوج‌هایی که مجبور به سرکوب هیجانات خود هستند و به‌صورت انعطاف‌ناپذیر از معیارهای درونی پیروی می‌کنند، بیشتر در معرض دل‌زدگی زناشویی قرار می‌گیرند؛ لذا، هم روان‌شناسی و هم اسلام تأکید دارند که ریشه دل‌زدگی زناشویی، در کمبودهای تربیتی و هیجانی دوران کودکی و تداوم باورهای ناسالم در روابط بزرگسالی است.

۵-۱- جمع‌بندی نهایی

این پژوهش نشان می‌دهد که دل‌زدگی زناشویی در زنان خانه‌دار حاصل فرآیندی تدریجی و تحت‌تأثیر سه عامل کلیدی است: طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، افکار خودآیند منفی و خشونت خانگی. خشونت خانگی علاوه بر تأثیر مستقیم، نقش واسطه‌ای نیز ایفا می‌کند و از این طریق، اثر عوامل روان‌شناختی را بر دل‌زدگی تقویت می‌نماید. برای کاهش این دل‌زدگی، مداخلات هم‌زمان فردی و بین‌فردی ضروری است. در سطح فردی باید به بازسازی افکار منفی، اصلاح طرح‌واره‌ها و آموزش مهارت‌های مقابله‌ای پرداخت. در سطح بین‌فردی نیز کاهش خشونت خانگی از طریق آموزش‌های حقوقی، مهارت‌های حل تعارض و ایجاد مراکز حمایتی اهمیت دارد. پژوهش محدود به زنان خانه‌دار و نمونه‌گیری در دسترس بود؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده با نمونه‌های متنوع‌تر و روش‌های پیشرفته آماری، نقش عوامل غیرمستقیم، متغیرهای تعدیل‌گر و مکمل را نیز بررسی کنند. در نهایت، آگاه‌سازی زوجین و اجرای برنامه‌های آموزشی مبتنی بر بازسازی شناختی و بهبود مهارت‌های ارتباطی می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری و کاهش دل‌زدگی زناشویی داشته باشد.

۵-۲- سپاس‌گزاری

از مراکز مشاوره شهر شیراز و تمامی مشارکت‌کننده در این پژوهش، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

۶- منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- احمدی، نیره؛ شریعتی، الهام؛ و میرخانی، عزت‌السادات (۱۴۰۰). ظرفیت اصول حاکم بر خانواده در حل تعارضات خانوادگی.

مطالعات زن و خانواده، ۹(۳)، ۱۰۲-۱۲۸. doi:10.22051/jwfs.2021.32968.2521

- ۳- آمدی، عبدالواحد (۱۴۰۱). غررالحکم و دررالکلم، ترجمه محسن غرویان. انتشارات تهران: آتشکده.
- ۴- جمشاد، پریسا؛ و داوری، رحیم (۱۴۰۱). پیش‌بینی پرخاشگری ارتباطی پنهان بر اساس ویژگی‌های شخصیت و ناگویی هیجانی زنان متأهل شهر تهران. پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ۱۲(۴۸)، ۸۹-۱۰۲.
doi:10.22034/spr.2023.366981.1787
- ۵- حرعاملی، محمدبن حسن (۱۳۸۶). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: انتشارات کتابچی.
- ۶- رئیس، لیلا؛ قاسمی، زهرا؛ و سالاری‌فر، محمدرضا (۱۴۰۲). تدوین بسته آموزشی پیشگیری از طلاق عاطفی زوجین مبتنی بر آموزه‌های اسلامی. مطالعات اسلام و روانشناسی، ۱۷(۳۳)، ۱۱۹-۱۴۹.
doi:10.30471/psy.2023.9060.2075
- ۷- سلیمانی، الهه؛ تنها، زهرا؛ ملکی راد، علی‌اکبر؛ و کردستانی، داوود (۱۴۰۰). معادلات ساختاری مهارت‌های زندگی و سبک‌های دل‌بستگی با تعارضات زناشویی: نقش میانجی‌گرانه رضایت جنسی و قصه عشق زوجین. تحقیقات علوم رفتاری، ۱۹(۱)، ۱۲۸-۱۳۸.
- ۸- شهابی‌زاده، فاطمه؛ و محمدی مقدم، مژگان (۱۳۹۹). اثربخشی کنترل شناختی زبان مبتنی بر آموزه‌های اسلامی بر کنترل عواطف زنان با تعارضات زناشویی. فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، ۱۵(۵۱)، ۲۹-۵۴.
- ۹- عسگرزاده، سونا؛ برادران، مجید؛ و رنجبر نوشری، فرزانه (۱۴۰۱). مقایسه ذهن آگاهی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و همجوشی شناختی در زنان با و بدون تعارض زناشویی. شناخت اجتماعی، ۱۱(۲۲)، ۱۲۱-۱۲۹.
doi:10.30473/sc.2023.69092.2913
- ۱۰- علی ابن ابی طالب (علیه السلام) (۱۳۹۶). نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی سلفون. قم: انتشارات محمد امین.
- ۱۱- فرانکل، ویکتور (۱۴۰۳). انسان در جست و جوی معنا، ترجمه امیر لاهوتی. تهران: انتشارات مصدق.
- ۱۲- القشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج (۱۴۰۰). ترجمه فارسی صحیح مسلم. ترجمه جواد عصار رودی عبدالباری وثیق عبدالرؤف مخلص هروی. شیراز: شیخ الاسلام احمد جام
- ۱۳- گلدنر، آلوی (۱۳۸۳)، «بحران در جامعه‌شناسی غرب»، ترجمه فریده ممتاز، تهران: شرکت انتشار، چاپ سوم.
- ۱۴- مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۰). بحارالانوار. بیروت: انتشارات دارالاحیاء التراث العربی.
- ۱۵- مهدوی، سمیه؛ و آزادی، مهران (۱۴۰۰). هنجاریابی پرسشنامه طرح‌واره‌های ناسازگار یانگ در بین دانشجویان شهر تهران. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۱۲(۴۵)، ۱۳۵-۱۶۳. **doi:10.22054/jem.2022.58601.2142**
- ۱۶- نورعلیزاده میانجی، مسعود؛ و الهی، حسین (۱۴۰۲). پیش‌بینی تعارضات زناشویی زوج‌های طلبه بر اساس سبک‌های فرزندپروری ادراک شده والدینی. فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، ۱۸(۶۵)، ۲۰۵-۲۲۸.
- ۱۷- یانگ، جفری؛ کلوکو، ژانت؛ ویشار، مارجوری (۱۴۰۳). طرح‌واره درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی. ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز. تهران: انتشارات ارجمند.
- 18- Bandura, A. (1977). Social Learning Theory of Identification Processes, in: Goslin, D.A. (Hrsg.) , Handbook of socialization theory and research, Chicago Press
- 19- Beck, A. (2009). Depression :causes and Treatment. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- 20- Berkowitz, L. (1989). Aggression Humor as a Stimulus of Aggressive Responses." *Journal of Personality and Social Psychology Press*, 16: 710-717.
- 21- Bowlby, J. (1973). Attachment and loss: *Attachment*. London: Hogroth.
- 22- Ellis, A. (1994). Reason and emotion in psychotherapy, Revised and updated. New York: Carol publishing.
- 23- Fortman, B. D. G. (2015). intimate partner violence and women's physical and mental health in the Who multi-country study on women's health and domestic violence: an observational study. *Psychiatry & Applied Mental Health*, 2(9), 112-113.
- 24- Haj _Yahya, M.M. (1999). Wife abuse and its Psychological consequences as revealed by the first Palestinian survey on violence against women. *Journal of family Psychology*. 13: 642_662.

- 25- Halon, SD., Kandall, PC. (1980). Cognitive self-statements in depression: Development of an Automatic Thoughts Questionnaire. *Cognitive Therapy and Research*. 4(4):383-95.
- 26- Pines, A. M., & Neal, M. B., & Hammer, L. B. (2016). Job burnout and couple burnout in dual- earner couples in the sandwiched generation. *Social psychology Quarterly*, 74, 361-368.
- 27- Young, J. E. (2005). The YSQ-S3 Young Schema Questionnaire, Short Form. In J. E. Young (Ed.) *Schema Therapy Complete Packet: Workshop handouts*. New York: *Schema Therapy Institute*.
doi:10.1037/t67023-000

The Relationship Between Early Maladaptive Schemas, Negative Automatic Thoughts, and Domestic Violence with Marital Disenchantment Among Housewives in Shiraz: An Islamic Perspective

Zahideh Rahmanian^{1*}, Mehri Abdi²

1- Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Counseling, Farhangian University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

zr7911529@chmail.ir

2- Master's Student, Department of Psychology, Faculty of Psychology, Islamic Azad University of Yasouj, Yasouj, Iran.

mehriabdi76@gmail.com

Abstract

Considering the significance of marital interactions in Islam, this study aimed to investigate the relationship between early maladaptive schemas, negative automatic thoughts, and domestic violence with marital disenchantment among housewives in Shiraz, based on an Islamic perspective. The research method was descriptive-correlational using a survey approach. The statistical population consisted of all housewives in Shiraz in the year 2022, from which 384 individuals were selected through convenience sampling. Data were collected using the Early Maladaptive Schemas Questionnaire (Young, 2005), the Negative Automatic Thoughts Questionnaire (Hollon & Kendall, 1980), the Domestic Violence Questionnaire (Haj-Yahya, 1999), and the Marital Disenchantment Scale (Pines et al., 2016). Regression analysis results indicated that the three variables explained 22% of the variance in marital disenchantment. Domestic violence ($B = 0.32$, $t = 6.985$), early maladaptive schemas ($B = 0.25$, $t = 5.437$), and negative automatic thoughts ($B = 0.09$, $t = 2.141$) had the highest contributions, respectively. Furthermore, domestic violence mediated the relationship between early maladaptive schemas and negative automatic thoughts with marital disenchantment ($p < 0.01$). This research indicates that marital disenchantment results from the accumulation of inappropriate cognitive, emotional, and behavioral interactions, and its reduction requires simultaneous attention to both individual factors (such as schemas and negative thoughts) and interpersonal factors (such as violence), within the framework of Islamic principles. Domestic violence plays a dual role in this cycle, acting both as a cause and a consequence of cognitive-emotional interactions, thereby creating a vicious cycle. Emphasizing multilevel interventions from individual therapy to structural changes positions this study as a pioneering work in the field of family mental health.

Keywords: Early Maladaptive Schemas, Negative Automatic Thoughts, Domestic Violence, Marital Disenchantment, Islamic Perspective.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)